

پرونده خرم‌دین

به دادگاه کیفری رفت

گروه حوادث/ پرونده قتل بابک خرم‌دین، خواهر و شوهر خواهرش برای رسیدگی روی میز قضات شعبه پنجم دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت و بزودی پدر و مادر بابک به اتهام ارتکاب ۳ قتل محاکمه خواهند شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح ۲۶ اردیبهشت امسال همزمان با پیدا شدن جسد مثله شده مردی جوان داخل یک سطل زباله در شهرک اکباتان تهران تحقیقات جنایی برای رمزگشایی از این جنایت آغاز شد و خیلی زود هویت مقتول به نام بابک خرم‌دین کارگردان ۴۷ ساله سینما و مستند ساز شناسایی شد. عصر همان روز نیز با اعترافات تلخ پدر و مادر بابک از این جنایت هولناک فاش شد. پدر بابک اعتراف کرد که به خاطر اختلاف‌های خانوادگی بابک را به قتل رسانده و با کمک همسرش جسد را مثله کرده و پس از جاسازی در ساک و پلاستیک‌های زباله آن را از خانه خارج کرده و در چند جای شهر انداخته‌اند.

اما این تازه شروع یک پرونده هولناک قتل عام خانوادگی بود، چرا که پس از بازداشت متهمان و بازجویی در دادسرای جنایی تهران در ادامه تحقیقات پدر و مادر بابک به قتل دخترشان آرزو در سال ۹۷ و قتل دامادشان فرامرز در سال ۹۰ اعتراف کردند. این پیرمرد ۸۰ ساله که از هیچ کدام از جنایات‌هایش ابراز پشیمانی نمی کرد فرزندان و دامادش را مستحق مرگ دانسته و انگیزه خود را از این قتل‌ها اختلاف‌های خانوادگی عنوان کرد. از آنجا که فرامرز خواهرزاده قاتل - اکبر خرم‌دین- نیز بود مادر و خواهر و برادرانش با شکایت از دایی خود خواهان مجازات وی شدند اما از قصاص او گذشت کردند.

با توجه به اینکه طبق قوانین مجازات اسلامی کشور، پدر به خاطر قتل فرزندانش قصاص نمی شود بدین ترتیب بازپرس پرونده پس از تکمیل تحقیقات با صدور کیفرخواست برای اکبر خرم‌دین و همسرش ایران بر اساس خواسته اولیای دم پرونده را برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاد و با ارجاع پرونده به شعبه پنجم دادگاه کیفری به ریاست قاضی بابایی بزودی این زوج سالخورده پای میز محاکمه خواهند ایستاد.

مرگ زن جوان بعد از لیزر تراپی

گروه حوادث/ به دنبال مرگ زن جوان بعد از عمل لیزر تراپی، بازپرس جنایی از کمسیون پزشکی خواست تا علت این حادثه را مشخص و اعلام کند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۱۵ مرداد امسال مرگ زن جوانی در یکی از بیمارستان‌های پایتخت به بازپرس مصطفی واحدی اعلام شد. به دنبال اعلام این خبر بازپرس جنایی دستور تحقیقات فوری را صادر کرد. بررسی‌ها نشان می داد زن ۳۶ ساله برای عمل لیزر تراپی

سوختگی یا به کلینیکی در شمال تهران رفته اما حین عمل با توجه به وخیم شدن حالش به یکی از بیمارستان‌ها منتقل شده و در نهایت روز ۱۵ مرداد تسلیم مرگ شده است.

همزمان با رسیدگی به این پرونده وکیل زن جوان به نام نگین به دادسرای امور جنایی پایتخت رفت و از کادر درمان شکایت کرد. او گفت: ساعت ۲ بعد از ظهر ۲۶ تیر امسال، نگین وقت لیزر تراپی داشت و به همراه همسرش به کلینیکی در شمال تهران رفت. ساعت ۳:۲۵ دقیقه به نگین آمپول

بی حسی تزریق شد و به گفته پزشک متخصص این عمل تنها نیم ساعت طول می کشید.

وکیل جوان ادامه داد: همسر نگین پشت در اتاق عمل به انتظار ایستاد اما بعد از یک ساعت اعلام کردند که دستگاه لیزر شارژ ندارد. اما همچنان نگین در اتاق عمل بوده تا اینکه ساعت ۵:۳۰ همان روز پزشک هراسان از اتاق بیرون می آید و از همسر نگین می خواهد به اتاق عمل برود و او را ببیند. زمانی که موکل بنده وارد



قربانی حادثه

زن تنها، قربانی طلب ۱۵ میلیون تومانی

گروه حوادث/ مرد جوان به خاطر فرار از بدهی ۱۵ میلیون تومانی زن میانسال را به قتل رساند و جسدش را داخل چاه ویلای شمال انداخت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی پیش مرد جوانی به پلیس رفت و از ناپدید شدن مادر میانسالش به نام حمیده که تنها زندگی می کرد خبر داد.

به دنبال شکایت مرد جوان تحقیقات به دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی پایتخت آغاز شد.

در نخستین گام کار آگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت به بازبینی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل خانه زن ۵۰ ساله پرداختند. دوربین‌ها نشان می داد که حمیده از خانه خارج شده اما دیگر برگشته است.

در حالی که بررسی‌ها در این پرونده ادامه داشت، کار آگاهان مطلع شدند از حساب بانکی حمیده پول برداشت شده است. تحقیقات نشان می داد که پول برداشت شده از حساب وی به حساب مردی به نام سیروس واریز شده است. سیروس با فاصله دستگیر اما مدعی شد که کارت بانکی اش دست مرد جوانی به نام امیر بوده و انتقال وجه نیز از سوی او صورت گرفته

است. با مشخص شدن این موضوع پس از هماهنگی های قضایی با بازپرس سهرابی، امیر شناسایی شد.

اعتراف به جنایت

از سویی در تحقیقات صورت گرفته مشخص شد امیر ۳۰ ساله یکی از بستگان حمیده بوده است. مرد جوان زمانی که در مقابل افسر پرونده‌اش قرار گرفت ابتدا منکر جنایت شد اما زمانی که با مدارک و شواهد پلیسی مواجه شد به قتل ناخواسته زن تنها اعتراف کرد.

او گفت: حمیده از اقوام دورمان است و به خانه ما رفت و آمد داشت. حمیده بعد از مرگ شوهرش به تنهایی زندگی می کرد و با حقوق بازنشستگی او زندگی اش را می گذراند به همین دلیل وضع مالی خوبی داشت. در یکی از این رفت و آمدها، من که اوضاع مالی خوبی نداشتم از او درخواست پول کردم. حمیده هم به حساب آشنایی و فامیل بودنمان به من ۱۵ میلیون تومان قرض داد.

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

■ چهارشنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۰
■ سال بیست و هفتم
■ شماره ۷۷۳۱



حمیده طلیش را خواست اما من که پول را خرج کرده بودم برای پس دادنش مدام بهانه می آوردم. بهانه‌ها ادامه داشت تا اینکه روز حادثه حمیده برای صحبت درباره بدهی با من قرار گذاشت. به دنبالش رفتم و او را اسوار خودروام کردم. بین راه بر سر پس دادن پول درگیر شدیم. تهدید کرد که اگر پول مرا ندهی به همه می گویم که از من دزدی کرده ای. من هم که ترسیده بودم با آمپوهی‌ای که داخلش داروی بی هوشی بود او را بی هوش کردم.

مرد جوان گفت: بعد از بی هوش کردن حمیده به سمت شمال حرکت کردم و به خانه ویلایی یکی از آشنایان رفتم. آنجا با روسری او را خفه کرده و جسدش را داخل چاهی در ویلا انداختم. البته قبل از انداختن جسد داخل چاه، طلاها و کارت عابر بانک او را هم سرقت کردم.

با اعتراف مرد جوان به جنایت، تیمی از کار آگاهان پلیس آگاهی راهی محل شده و در بازرسی از چاه جسد زن میانسال را حدود یک ماه پس از جنایت کشف کردند.

موکل من از پزشک کلینیکی، پزشک بی هوشی، مسئول فنی و مسئول کلینیک شکایت دارد. بدنبال شکایت وکیل خانواده، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. با انجام معاینات تخصصی پزشکی قانونی علت مرگ را آسیب مغزی ناشی از اقدامات عمل لیزر تراپی اعلام کردند. با مشخص شدن علت مرگ، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت پرونده را برای بررسی میزان قصیر کار درمانی که از آنها شکایت شده به نظام پزشکی ارسال کرد.

اتاق عمل می شود متوجه شد شکم همسرش بسیار متورم شده است.

وکیل جوان ادامه داد: از آنجایی که نگین بی هوش بود، او بوسه‌ای آمبولانس به بیمارستانی دیگر منتقل شد. این در حالی بوده که آمبولانس نیز مجهز به دستگاه اکسیژن نبوده و تمام این موارد باعث می شود که وقت طلایی برای احیای زن جوان از دست برود. بعد از آن نگین به کم‌رفت و پس از ۲۰ روز دچار مرگ مغزی شده و ۱۵ مرداد فوت کرد.

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی

متهم جوان گفت: پس از گذشت مدتی